****

[**اثر دوم جواز تقلید از مجتهد انسدادی** 1](#_Toc495611698)

[**تکمله ای از بحث جلسه قبل** 1](#_Toc495611699)

[**حل اشکال استصحاب توسط مرحوم حاج شیخ** 2](#_Toc495611700)

[**ردیه استاد به حاج شیخ** 2](#_Toc495611701)

[**حل اشکال توسط مرحوم خویی** 2](#_Toc495611702)

[**نقد حل مرحوم خویی توسط استاد** 2](#_Toc495611703)

[**اما بحث جواز تقلید از مجتهد انسدادی** 3](#_Toc495611704)

[**خلاصه** 3](#_Toc495611705)

**موضوع**: اثر دوم: جواز تقلیدغیر /اثار اجتهاد مطلق /اجتهاد و تقلید

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد اشکال جواز تقلید غیر از مجتهد انسدادی بود که اخوند و خویی فرمودند جایز نیست از مجتهد انسدادی تقلید شود زیرا در این صورت نه رجوع جاهل به عالم است زیرا عالم به احکام نیست و باب علم به احکام بسته است و نه عارف به احکام است فلذا روایات جواز تقلید هم شامل او نمیشود. استاد فرمود اشکالی که در این رابطه مورد ایراد است این است که در بعضی موارد موضوع حکم شرعی فقط برای مجتهد حاصل است و برای مقلد حاصل نیست در اینگونه موارد اشکال وارد است نه اینکه اشکال اخوند وخویی وارد باشد. زیرا در استصحاب مثبت تکلیف یقین سابق و شک لاحق فقط برای مجتهد حاصل است. اینکه مرحوم اخوند و خویی موضوع جواز تقلید را عالمیت وخبرویت میدانند بعد اشکال میکنند که مجتهد انسدادی عارف به احکام نیست درست نیست زیرا اگر موضوع جواز تقلید خبرویت است مجتهد انسدادی هم در انسدادش خبرویت دارد.

**اثر دوم جواز تقلید از مجتهد انسدادی**

**تکمله ای از بحث جلسه قبل**

استاد در جلسه قبل فرمود اشکالی که در مجتهد انفتاحی است استصحاب در احکام الزام اور است زیرا با توجه به لسان روایات استصحاب بدست میاید که برای اجرای استصحاب، یقیین و شک فعلی لازم است چون در ان روایات یقیین و شک به صورت موضوعی برای اجرای استصحاب اخذ شده است فلذا وقتی مجتهد مثلا قبلا یقیین به وجوب نماز جمعه داشت و در زمان غیبت شک در وجوب ان دارد در حق او اجرای استصحاب تمام است چون هم شک دارد و هم یقیین فعلی اما نسبت به مقلد که این استصحاب را نمیتواند اجرا کرد زیرا او نه یقین سابق دارد و نه شک لاحق.

**حل اشکال استصحاب توسط مرحوم حاج شیخ**

ایشان این مشکله در استصحاب را از راه نیابت حل کرده است به این بیان که ولو اینکه در حال حاضر یقیین و شک برای مجتهد فراهم است ولی از باب ادله جواز رجوع به مجتهد مثل اینکه اینکه خود مقلد دارای یقیین و شک است. وقتی مجتهد بما هو نایب شک میکند گویی که خود مقلد یقیین و شک فعلی به مساله دارد. پس دیگر این اشکال مرتفع میشود.

**ردیه استاد به حاج شیخ**

همان طوری که دیگران هم گفته اند از جمله مرحوم اقای خویی، نیابت یک امر جعلی است و نیاز به دلیل دارد و چنین دلیلی بر نیابت مجتهد از مقلد وجود ندارد و از ادله جواز تقلید هم این مساله استفاده نمیشود.

**حل اشکال توسط مرحوم خویی**

ایشان در تنقیح بحث نیابت را قبول نکرده اند بلکه از راه دیگری ان را حل کرده اند و فرموده اند که ادله خود استصحاب مجوز فتوا دادن است و خود انها دلالت دارند بر اینکه مجتهد طبق یقیین سابق و شک لاحق بتواند در حق مقلد فتوا بدهد زیرا از لسان لا تنقض الیقین بالشک استفاده میشود که اثار یقیین را مترتب کن و از جمله اثار یقیین یکی این است که خودش قبلا یقیین به فلان حکم اشت و الان شک دارد پس در حق خودش ان اثر یقیین را مترتب میکند و یکی دیگر از اثار یقیین این است که اگر یقیین داشت میتوانست فتوا بدهد و الان هم ان اثر را اجرا کند و فتوا بدهد

البته اصل اشکال استصحاب به مرحوم خویی وارد نیست چون ایشان استصحاب را در شبهات حکمیه جاری نمیدانست به خاطر تعارض بین حکم و عدم جعل زایدکه در جای خودش گذشت و در اینجا نیاز به اعاده نیست.

**نقد حل مرحوم خویی توسط استاد**

در بحث استصحاب گذشت که لسان روایات استصحاب لسان کنایی هستند یعنی منظور از لا تنقض الیقین عدم نقض متیقن است نه خود یقین. یعنی همان طوری که اخوند هم فرمود یقین سابق به وضو را مثلا که معنا ندارد ان را نقض نکنم بلکه منظور از یقیین ولو اینکه مراد استعمالی خود یقیین است ((بر خلاف شیخ که فرموده مراد استعمالی متیقن است)) ولی مراد جدی متیقن است و از طرفی جواز افتا که از اثار متیقن نیست بلکه از اثار خود یقین است. و تمام الموضوع برای افتا خود علم است.

**اما بحث جواز تقلید از مجتهد انسدادی**

همان طوری که مرحوم خویی در تنقیح فرموده است و در ضمن اخوند را رد کرده است فرقی بین تقلید از مجتهد انفتاحی و انسدادی نیست کما هو المختار. و به بیان فنی اثبات میشود که از مجتهد انسدادی هم جواز تقلید وجود دارد. مشکله ای که در بحث تقلید از مجتهد انسدادی بود عبارت است از اینکه اولا عالم به احکام و عارف به احکام بر او صدق نمیکند که از این مشکله جواب دادیم به اینکه موضوع ادله جواز تقلید متخصص در دین است نه عالم به احکام. بنابر این گاهی این متخصص به حکم واقعی میرسد وگاهی به فقد دلیل وگاهی هم به حجت. پس موضوع در ادله جواز تقلید متخصص است و در مجتهد انسدادی این خصوصیت وجود دارد زیرا از راه تخصص به انسداد رسیده است. ثانیا: اشکال دوم هم عبارت ازاین بود که مقدمات انسداد در نهایت در خصوص حق مجتهد ظن را حجت میداند نه در حق مقلد زیرا مقلد که مقدمات انسداد در حق او تمام نشده است. از این اشکال نیز پاسخ داده میشود به اینکه ایه و روایتی نداریم که مقدمات انسداد ظن را فقط در حق مجتهد حجت میداند بلکه از مقدمات انسداد عبارت از اینکه وقتی راه علم و علمی بسته شد دوران امر است بین اینکه به ظن عمل شود یا به شک و به خاطر این که عمل به ظن ارحیت دارد زیرا اقرب به واقع است به ظن عمل میشود حال فرض این است که این مجتهد انسدادی اعلم است و مقلد یا برایش ظنی مثل ظن مجتهد انسدادی پیش امده است که فهو یا برایش ظنی اصلا پیش نیامده است که عند الرجوع مجتهد انسدادی اعمال خبرویت میکند و مجتهد میگوید برای من چنین ظنی پیش امده است و از من تبعیت کن یا مقلد ظنی بر خلاف ظن مجتهد انسدادی بوجود میاید که مجتهد مقلد را تخطئه میکند از باب خبرویت در این راه.زیرا ظن حاصله برای مجتهد اقرب به واقع است نسبت به مقلد و خطا در ان کمتر است.

**خلاصه**

مجتهد انسدادی اولا متخصص در دین است و دارای حجت از روی تخصص است و ثانیا مقدمات انسداد اختصاص حجیت ظن را فقط به مجتهد نمیدهد بلکه در حق مقلد نیز جاری است. و تنها مشکل استصحاب بر انفتاحی وارد است که راه حل نیابت هم ان را حل نمیکند.